

این نمایشنامه کهن ایرانی...

■ یادگار زریران
■ دکتر یحیی ماهیار نوابی
■ انتشارات اساطیر

● دکتر زهروه زرشناس
عضوهیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سنت آیین‌های سوگواری به‌ویژه برای سیاوش از قدیم در ماوراءالنهر وجود داشته است (نرشخی ۱۳۵۱: ص ۲۴). بنابراین به‌ظن قوی این آیین‌های سوگواری در شرق ایران که افزون بر منابع ادبی با شواهدی از کاوش‌های باستان‌شناسی در ماوراءالنهر نیز همخوانی دارد، باید اساس سنتی باشد که زمینه‌ساز پیدایش تعزیه‌ها یا شبیه‌خوانی یا بازنمایی مصیبت و شهادت گردیده است.

تعزیه ایران در شکل تکامل یافته آن (دوره اسلامی) نمایشی آیینی است که قالب و مضمون آن از سوی مذهبی ریشه‌دار متأثر است. تعزیه سلسله‌ای از اعمال توأم با کلام (منظوم یا غیرمنظوم)، بازآفرینی و نمایش رشته‌ای از وقایع را شامل می‌شود که هسته اصلی آن شهادت امام حسین (ع) و اهل بی‌ش در کربلاست.

تعزیه نمایش آیینی فراگیر و بسیار تماشایی است که کل اجتماع را دربر می‌گیرد و تا ژرفای اسطوره، اعتقاد و مقولات

همچون مرگ سیاوش و نیز مراسم آیینی تموز یا دموزی در فرهنگ بین‌النهرین باستان دیده می‌شود (چلکووسکی ۱۳۶۷: صص ۹-۱۰).

روایات سوگواری برای سیاوش و گریستن مغان در شاهنامه فردوسی و گشتاسپنامه دقیقی حکایت از موارد متعدد سرودن مرثیه برای سردار یا قهرمان پس از مرگ وی و باستانی بودن رسم مرثیه‌نگاری در رئای عزیزان از دست رفته دارد. در دوره‌های اسلامی نیز، نمونه‌هایی از مرثیه در میان شعرهای رودکی، فرخی، مسعود سعد و حتی در داستان‌های منظوم نظامی و یا اشعار سعدی و حافظ می‌توان یافت. مرثیه در معنای امروزی‌اش به آن دسته از شعرهایی اطلاق می‌شود که به احترام شهدای فی‌سبیل‌الله سروده شده‌اند.

«یادگار زریران» یکی از آثار برجسته روانشاد دکتر ماهیار نوابی است که در این مقاله از سوی دکتر زهروه زرشناس مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله در زمان حیات استاد نوشته شده است.

یادگار زریران (متن پهلوی با ترجمه فارسی و آوانویس لاتین و سنجش آن با شاهنامه از دکتر یحیی ماهیار نوابی)، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۹۲ ص.

شبیه‌خوانی نمایش آیینی و باستانی ایران است که در عین ظهور و تکامل آن در ایران با تاریخ ابداعات هنری این کشور سازگاری دارد. به احتمال زیاد، ریشه این نمایش‌ها را باید در سوگسرودها و یادکردهای قهرمانان از دست‌رفته این مرز و بوم جستجو کرد. یادکرد قهرمانان از دست‌رفته مدت‌های مدید جزء مهمی از فرهنگ ایرانی بوده است و پیام‌هایی از طریق فدا شدن در افسانه‌های ماقبل اسلامی

دین مردم امتداد می‌یابد. از آنجا که جامعه مزبور سوگواری را به خاطر قهرمانان خود برپا می‌کند، فهم فلسفه تعزیه تنها از طریق بازگشت به بنیادهای مفهومی و عملی آن در تاریخ و محیط هر دوره خاص امکان‌پذیر است. تعزیه بر مبنای مستحکم گرداندن امر عقیدتی و مذهبی تماشاگر و انجام آن از طریق نمایش واکنش‌های درون پالا طراحی می‌شود. هدف از اعمال تعزیه تحکیم و تقویت اعتقاد به مصیبت خاندان مطهر و پیام آن و فراهم آوردن روزنه‌ای جهت آزادسازی مجموعه‌ای از عواطف است که بارزترین آنها تألم و همدلی است.

در تعزیه دلالت پیش از عمل می‌آید و تعزیه هیچ علاقه‌ای به ترجمان دقیق ماجرا نشان نمی‌دهد و از این امتیاز که تماشاگران از ماجرا آگاهی دارند سود می‌برد. نمایش تنها وقایعی را که سیر آنها از قبل بر حاضران معلوم است در قالب نمایشی به آنان یادآوری می‌کند و زمینه را برای حالت سوگواری آماده می‌سازد.

لاسی (Lassy ۱۹۱۶: pp. ۲۸۳ - ۲۸۴) خاطر نشان می‌سازد که شبیه‌خوانی‌ها به آیین‌های یادبود مرگ حضرت مسیح (ع) و چند شخصیت دیگر در سنن هند و اروپایی و سامی شباهت دارد. مضمون مرگ و رستاخیز در اعمال آیینی و به همراه آن پیام تجدید دوران حاصلخیزی و بارآوری موجودات کلی و همگانی است و تماشاگر از طریق مشارکت در تعزیه در ترجمان تازه سنن باستانی و رستاخیز و تجدید حیات کیهانی نیز شرکت می‌جوید.

ماجرای غم‌انگیز (تراژدی) یادگار زریر (یادگار زریران) را نیز، همانند داستان سیاوش، از جهات بسیاری می‌توان با شبیه‌خوانی‌ها ستجد. این اثر حماسی بر شخصیت زریر مدافع از جان گذشته و دلیر راه دین متمرکز است.

یادگار زریران اثری است به خط و زبان پهلوی ساسانی (پارسیک) که در روزگار ساسانیان گردآوری و نوشته شده است. اما ویژگی‌های زبانی و واژه‌ها و ترکیبات و ساختارهای زبان پارسی را در خلال آن می‌توان دید که حکایت از آن دارد که در عهد پارتیان سروده شده است و پیش از آنکه صورت مکتوب یابد طی سده‌های متمادی و توسط رامشگران و خنیاگران دربار پارت، یعنی گوسنان، به آواز خوانده می‌شده و سینه به سینه انتقال داده شده است. خلاصه داستان به شرح زیر است:

ویشتاسپ (گشتاسپ) شاه همراه با همه برادران، پسران، خویشان، همالان و ندیمان خویش دین زردشت را می‌پذیرد و از جانب ارجاسپ شاه خیوان (تورانیان)، که با گرویند ویشتاسپ به آیین زردشت مخالف است به جنگ تهدید می‌شود. ایرانیان که حاضر به رها کردن دین نو نیستند آماده جنگ می‌شوند. جاماسپ وزیر ویشتاسپ پی‌آمد جنگ را پیش‌بینی و پیش‌گویی می‌کند. «زریر و چند تن از برادران و فرزندان ویشتاسپ در جنگ کشته می‌شوند اما جنگ به سود ایرانیان پایان می‌یابد.» پس از یک ماه دو سپاه روبه‌رو می‌شوند و پیشگویی جاماسپ عیناً به وقوع می‌پیوندد.

آگاهی مخاطبان از نتیجه اسف‌بار حادثه از وجوه این نمایش کهن ایرانی ست. پیشگویی جاماسپ مرگ زریر و بیست و سه تن از برادران و پسران ویشتاسپ را بر همگان آشکار کرده است. در حقیقت پیشگویی جاماسپ اعلام آماده‌باش است و بار اطلاع‌رسانی ندارد و از آنجا که به

شیوه‌ای رئالی بیان می‌شود، زمینه سوگواری شونندگان را فراهم ساخته و خیر از اوج تراژدی می‌دهد یعنی زمانی که ضربه نیزه زهرآگین بی‌درفش جانو بر پیکر زریر کارگر می‌شود. ویژگی خاص این نوع نمایش، یعنی بازنمایی، آن را در میان سنن نمایشی جهان ممتاز می‌سازد و این امکان را برای نمایش فراهم می‌سازد که به تأثیری منحصر به فرد بر تماشاگر دست یابد که نه تنها از نظر عاطفی ارضاکنده است بلکه سبب تقویت و استحکام نظام دینی و عقیدتی وی نیز می‌گردد.

دکتر نوایی یادگار زریران را کهن‌ترین تعزیه‌نامه و نمایشنامه ایرانی می‌داند که به دست ما رسیده است (پیشگفتار کتاب، ص ۷). استاد در پیشگفتار کتاب، داستان «نمایش» یادگار زریران را به تفصیل شرح می‌دهد و در ادامه سخن از متن منظوم دقیقی از این داستان یاد کرده و احتمال می‌دهد که دقیقی افزون بر بهره‌جستن از خلیانامه یا خلیانامه‌ها برای به شعر درآوردن این متن از متن پهلوی یادگار زریران هم سود برده باشد. به دنبال این مطلبه استاد نوایی طی بحث نسبتاً مفصلی به اثبات نظر خویش درباره پهلوی دانستن فردوسی و همسرش و احتمال قریب به یقین آشنایی دقیقی با خط پهلوی (به دلیل زردشتی بودن دقیقی) می‌پردازد و در ادامه دلیل یکسان نبودن روایت دقیقی از این داستان را با متن پهلوی در نوع تألیف آن می‌داند. به نظر ایشان یکی تعزیه و نمایشنامه است (پیشگفتار، ص ۱۰) که باید جنبه نمایشی آن مورد تأکید قرار گیرد و دیگری تاریخ است (همانجا) که ناچار به جنبه تاریخی آن توجه بیشتری شده است. آن‌گاه دکتر نوایی به سنجش دو متن و وجوه اشتراک و افتراق آنها می‌پردازد.

نه صفحه از پیشگفتار کتاب اختصاص به معرفی و بررسی مقالات و کتاب‌هایی دارد که طی صدسال گذشته به ترجمه متن پهلوی یادگار زریران و یا به حل دشواری‌های آن پرداخته‌اند. این بخش از پیشگفتار کتاب که حکایت از تسلط و اشراف استاد به کتابشناسی و منابع و مآخذ به زبان‌های مختلف اروپایی دارد، ارزش کتاب را دو چندان کرده است.

پس از پیشگفتار، متن پهلوی یادگار زریران، از روی نسخه‌ای که استاد در سال ۱۹۶۹ از روی کتاب متن‌های پهلوی دستور جاماسپ با اجازه کیخسرو جاماسپ آسا و دیگر وارثان او به چاپ رساندند، آمده است.

بخش بعدی کتاب شامل ترجمه متن پهلوی یادگار زریران به فارسی و سنجش آن با شاهنامه است. به دنبال آن یادداشت‌های مشروح استاد بر این بخش می‌آید که همانند دیگر تألیفات ایشان، با توجه به تمامی آثار پیشین در این زمینه، تهیه و تنظیم شده است. این مطلب حتی در مورد واژه‌هایی که قرائتی کاملاً مشخص و پذیرفته دارند، مصداق دارد. و کار استاد را اثری روشمند می‌سازد که براساس آخرین روش‌های پژوهش انجام شده است. در ترجمه فارسی متن پهلوی وفاداری به متن اصلی تا به آن اندازه چشمگیر است که ترجمه فارسی متن در حقیقت گونه‌ای آوانویسی متن به خط فارسی می‌نماید، برای نمونه ترجمه فارسی مقدمه یادگار زریران عیناً از کتاب نقل می‌شود. به نام دادار هرمزد امروزی جهش نیکه تندرستی آدید زیشی همه بهان افراون کنشان (نیکوکاران) به‌ویژه او که این برایش نویسانده شد (ص ۴۳ کتاب).

«متن پهلوی بخش منظوم یادگار زریران با آوانویس» آن عنوان بخش بعدی کتاب است. استاد در مقدمه کوتاهی بر این بخش می‌نویسد:

«بخشی از نمایشنامه یادگار زریران، یعنی گفت‌وگوی بازیگران و به سخن دیگر آنچه شنیدنی است به نظم است و بخشی دیگر، یعنی شرح کارهای آنان که باید به نمایش گذاشته شود (آنچه دیدنی است) به نثر (ص ۱۰۵ کتاب). استاد در این بخش متن پهلوی بخش منظوم یادگار زریران را به صورت نمایشنامه‌ای تنظیم و آوانویسی کرده و در آوانویسی از سبک تاریخی پیروی کرده است و دلایل انتخاب این سبک را نیز در مقدمه کوتاه همین بخش (ص ۱۰۵ کتاب) آورده است.

در آخرین بخش کتاب، واژه‌نامه‌ای بسامندی که سرواژه‌های آن به خط پهلوی است همراه با آوانویسی و ترجمه فارسی واژه‌ها، آمده است. در این بخش از کتاب نیز روش خاص استاد، کار ایشان را از دیگر آثار مشابه، متفاوت می‌سازد.

در واژه‌نامه‌های بسامندی پهلوی، معمولاً صورت‌های صرفی افعالی ذیل مصدر (به عنوان سرواژه) آنها و نیز هر صورت صرفی در جای خاص خود در ردیف الفبایی یا ارجاع به مصدر آن می‌آید. اما استاد نوایی هر یک از صورت‌های صرف شده افعال را در ردیف الفبایی و به صورت سرواژه آورده است. از ویژگی‌های نظرگیر این واژه‌نامه دقت در ذکر تعداد دفعات آمدن یک واژه در متن، حتی در مورد حروف اضافه (ن) است.

نمایه‌ای از صورت آوانویسی شده واژه‌های پهلوی می‌توانست راهگشا و راهنمای دانشجوین و علاقمندان زبان پهلوی باشد که جای آن در کتاب خالی است.

پی‌نوشت‌ها:

- توموز Tammuz یا Tammuzi (اکدی) و یا

دموزی Dumuzi (سومری) رب‌النوع جوان بین‌النهرینی است که هر سال با مرگ و رویش دوباره رستی‌ها می‌میرد و زنده می‌شود. این اسطوره نمونه مرگ و زندگی دوباره در قسمت‌های مختلف جهان وجود دارد. برای نمونه داستان ادونیس Adonis در فنیقیه، داستان ایزیس Osiris در مصر و داستان Attis در آسیای صغیر و یونان معرف اسطوره مرگ و حیات دوباره خلای بارورکننده و بخشنده است.

- «مردمان بخارا در کشتن سیاوش نوح [نوح] هاست چنان‌که در همه ولایت‌ها معروف است و مطربان آن را سرود ساخته‌اند و می‌گویند و قولان آن را گریستن مغان خوانند.» (نرشخی ۱۳۵۱: ص ۲۳)

- حفاری‌های خرابه‌های شهر سغدی پنجیکته واقع در شرق سمرقند مجموعه‌ای از نقوش روی دیوار را که محتوای اصلی آن‌ها مربوط به سوگواری شاهزاده‌های جوان است، نشان می‌دهند. این شاهزاده جوان را عموم مورخان سیاوش می‌دانند. صحنه‌های مشابه بر صنوق بزرگی مکشوف از توق قلعه tuk kala در شمال دلتای آمودریا و نیز بر گلدانی یافته شده در مرو دیده می‌شوند. (برای توضیح بیشتر و آگاهی از منابع، چلکووسکی ۱۳۶۷: ص ۱۳۲، یادداشت‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵)

- واژه تعزیه یا تعزیت به طور کلی به معنای سوگواری و

آمازون اساطیر و افسانه‌ها



- آمازون اساطیر و افسانه‌ها
- ترسیلاکات توشانو
- ترجمه سیروس شاملو
- انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷، ۹۵۰ تومان

ترسیلاکات در اثر خود کوشیده است تا به نحوی ابعاد کشف نشده و پنهان دانسته‌ها و آموخته‌های ساکنان بومی آمازون را بنویسد. وی سعی می‌کند به کنکاش و بررسی تاریخی اسطوره‌های منطقه آمازون بپردازد.

در فصل دوم کتاب به حضور سفید بوستان و بیگانگی فرهنگ و تکنولوژی آنان اشاره می‌کند و هم‌ترازی ظریف سنت بومی را با محیط طبیعی یادآور می‌شود.

در فصل سوم نیز نخستین قضاوت‌ها در باب اجدادشناسی آمازون را متأثر از تقسیم‌بندی‌های تجربه‌های اروپایی برمی‌شمارد. مولف در فصل تملن هزاران ساله با اشاره به تاریخ آمازون و خاستگاه تاریخی و جغرافیایی ساکنان اصلی آن با استفاده از یافته‌های سنگ نوشته‌ها و دیگر آثار انسانی به بازسازی هویت پیش از تاریخ این منطقه می‌پردازد. کم و کیف دانش بومیان و ارتباط آن با نحوه بهره‌برداری از طبیعت و شیوه معیشتی اجتماعات مختلف تنوع دست ساخته‌های بومیان و تأثیر گوناگون محیط طبیعی بر این ساخته‌ها از نکاتی است که به آن پرداخته می‌شود. وی همچنین اضافه می‌کند که در اساطیر کهن سرزمین آمازون پیشینیان آهن را نمی‌شناخته و زبان نوشتاری نداشتند و همین امر دو نشانه برای تشخیص قدمت اسطوره‌های است. ترانه‌ها، آوازها، نمایش‌ها، آوازهای آیینی نشان می‌دهد که آداب از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. همه این افسانه‌ها گویای نوعی تکنولوژی طبیعی و زیست محیطی است که خودکفایی خود و اجتماع انسانی را به اثبات می‌رساند.

در ادامه خانواده و اجتماع و برشمردن ویژگی‌های خانواده یعنی بنیان سازنده گروه‌های اجتماعی سرزمین آمازون، سکونت‌ها و انواع آن، شکار و شیوه‌های آن به عنوان کهن‌ترین فعالیت انسان ویژگی عام فرهنگی دین و حس دینی این سرزمین، اعتقادات اقوام مختلف در باب خدایان و دیگر باورداشت‌های دینی و آیین‌های عبادی به طور مبسوط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

احترام و اهمیت به جانوران و گیاهان، نمایه‌های از جهان هستی در دو وجه حیوانی و نباتی و زندگی پس از مرگ و اساطیر، اعمال و شیوه‌های متداول در جشن‌ها، مراسم، مجالس آیینی و اساطیری و روابط بین بومیان و سفیدپوستان موارد پائلی بخش اول کتاب را تشکیل می‌دهد.

سپس با ارائه چند قصه اساطیری، آنچه را که در بخش اول مبنای نظری قرار داده پی می‌گیرد و در همین راستا اساطیری از قوام مختلف منطقه آمازون را منعکس می‌کند.

کتاب از لحاظ روش شناختی در زمینه مطالعه اساطیر پیشینیان از انسجام خوبی برخوردار است و می‌تواند برای پژوهشگران در رشته انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی دین و مردم‌شناسی مفید واقع گردد. در پایان نیز رویدادشمار آمازون ضمیمه کتاب شده است.

یا گردهم آیی سوگواران در مرگ قهرمانان و به طور اخص اظهار همدردی (تعزیت) برای امام حسین (ع) و سوگواری عاشورا به کار رفته است.

- نزدیک‌ترین همانندی با تعزیه را در ستن ماقبل اسلامی در تراژدی سیاووش باید یافت. یعنی در داستان بسیار مشهور شاهزاده جوان و بی‌گناه ایرانی که برای گریز از کینه پدر راه آوارگی توران زمین در پیش می‌گیرد و در آنجا به فرمان افراسیاب بدگوهر به قتل می‌رسد (چلکووسکی ۱۳۶۷: ص ۱۳۰)

- درباره گوسانان و نقل ستن حماسی و تاریخی توسط خنیاگران. Boyce ۱۹۵۷: PP. ۱۰ - ۱۴

- پس گوید جاماسب بتیخش که: آن به که از مادر نژاد [م] یا چون زاد [م] که مرد [م]... فردا روز که کوبند نیو (پهلوان) به نیو... بس مادر یا پور، بی‌پور، بس پور بی‌پندر... شوند... آن به که نبیند آن بی‌درفش جادو [را] که آید آرزوم تازد آگاه کند و اوژند (کشد) سپاهید تهیم زریه، برادر تو [را] و باره‌اش ببرند... (ترجمه متن پهلوی کتاب یادگار زریران، صص ۵۶ - ۵۸: بندهای ۴۵ - ۴۹)

- می‌دانیم که دقیقی داستان یادگار زریر را به شعر کشیده است (نیمه نخست سده چهارم) و فردوسی آن را در شاهنامه خویش گنجانده است (شاهنامه چاپ مسکو، ج ۶ ص ۶۸ - ۱۲۱)

- یکی از آثار پرارزش استاد کتابشناسی ایران نام دارد که ۹ جلد آن تاکنون منتشر شده و جلد دهم آن در حال حاضر زیر چاپ است.

کتابنامه:

- چلکووسکی، پیترو. جی. (گردآورنده) ۱۳۶۷: تعزیه: هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاهنامه فردوسی: مسکو، آکادمی علوم اتحاد شوروی (سابق)، زیر نظر ع. نوشین، ۹ جلد: ج ۶، به تصحیح م. ن. عثمانوفه ۱۹۶۷.
- نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر ۱۳۵۱: تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصرالقبادی، تلخیص محمدبن زفرین عمر، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران
- نوابی، یحیی ماهیار ۱۳۴۷ - ۱۳۷۱: کتابشناسی ایران، جلد‌های ۱ - ۹. تهران، بنیاد فرهنگ ایران - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Boyce, Mary ۱۹۵۷: "The Parthian Gosan and Iranian Minstrel tradition", JRAS, PP. 16 - 45.
Lassy, Ivar. J. 1916: The Muharram My steries among the Azerbaijan Turks of Caucasia, He lising fors: Lilius and Hertzberg.